

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
ساحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل المتین)
عنوان مراسلات
طهران خیابان لاله زار
نائب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزها
طبع و توزیع میشود.

یومیه
جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۳۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان مطری

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه
با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

بنج شنبه ۵ رجب المرجب ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۷ مرداد ماه جلالی ۸۲۹ و ۱۵ اوت ۱۹۰۷ میلادی

محا که حقیقت

امروز اسلام است که بمحکمه میاید و مطالبه حقوق خود را از مدعیان خود نموده عده تماشاگران و روزنامه نگاران بعدی زیادت که مجال عبور نیست ، حالت اسلام فرین ضعف فوق العاده است زخمهای متکر که برهیکل مقدسش وارد شده بینندگان را رقت میدهد شعله های بیعدس از مظالمیکه بر آن ودیده خداوند وارد شده حکایت میکند اگر چه فلاق و نورانیت ذاتی آن از زیر پردها و لباسهاییکه بدو پوشانیده اند چشم حضار را خیره میکند لکن گرد غریبی و بیکی بر سر و صورتش نشسته و با صدای نارکی که جگر فلک را آتش میزند همی گوید (یا عدل - یا حکیم) خدایا خداوند مرا بتوسط پیغمبر اکرم نزد خلق فرستادی و محافظت مرا امر فرمودی چه رنجها که آن رسول خاتم ۴ در راه من کشید و چه صدمه ها و آذینها که دید او صیاء مکرم و جا نشینان بزرگوارش در سبیل ترویج و حمایت که کارها که نکردند و چه بلیات که ندیدند خون دل خوردند و زخمها کشیدند اعوان و انصاران آسمان و زمین بر ایشان فرستادی و ملائکه ملکوت شان امداد کردی تا کارم بالا گرفت و اسمم آفاقرا احاطه کرد نور مرا کامل فرمودی و رهبه ایدان رفعت و منزلت بخشودی در دوره اول جمعی از فرزندانم که سرشته شان از غیرت اسلامی و حمیت و عصیت دینی بود مردانه دامان همت بر کمر غیرت استوار کرده در اعلاء کلامم از پای نشستند و ذرّه و ذریقه غفلت نکرده با شمشیر آخته در یکدست و قرآن مجید که هادی و شفای صدور است در دست دیگر از یک گونه کمنام عالم که هیچوقت

محل اعتناء و التفات کسی نبود یعنی وادی حجاز و نجد و تمامه سیل وار باطرافی عالم پراکنده و هجوم آور شده دین خدا را رواج دادند و قصور کسی و فلاح قیصر را با خاک راه یکسان ساختند و کردند آنچه کردند که نظیر و عدیش را تاریخ عالم در هیچ قرن و زمانی نشان نمیدهد و کارم بجائی رسید که اغلب سکان معمره خاک و اکثر اقلیم این کره در زیر لوی من بودند دولت سکان زمین از شنیدن نام تعظیم و تکریم کردند ، اقوام سائره در نهایت تمکین در ذمه اسلام داخل و جزیه بفرزندانم دادندی اکنون بواسطه غفلت و خیانت و عدم اطاعت از احکام محکمه ام که مایه نجات دوجهان است کارم بجائی رسیده که کفار از هر دو دست تسلط بجانبم دراز کرده احکام معطل و ممالکم مختل مانده طوری که راهان او امر و نواهیمن را تحریف و تصحیف کردند که مزیدی بران متصور نیست در انتظار بیگانگان ذلیل و زبونم ساختند تهمتها بر من زدند نسبتها مرا دادند مقتریات چند جعل کرده ضمیمه اسلام ساختند که روح صاحب شریعت را از آنها خیری نیست تا کار بجائی رسید که بدن پاک و جسم مقدس را بضرر خنجر بیرحمی زخمها زدند و جسد شریفم را پایمال سم ستور اغراض شیطانیه و اهواء نفسانیه کردند بلاد مرا بر ایگان بیبیکان و اگذار کردند احترام مرا از میان برداشتند و مراسم بلای حوادث و اغراض خود کرده باسم اسلام ترویج کفر و بنام حق رواج باطل دادند

قاضی - طرفی ادعاء شما کیست و اصل ادعاء چیست ؟
اسلام - مرا با دونه فرقه سخن است یک فرقه

طبقه رؤساء ممالک و ارباب نفوذ جسمانی است از قبیل سلاطین و ملوک و امراء و حکام و وزراء که ساطه ظاهری من در ید قدرت و کفایت آنها است — این جمع را تکلیف آن بود که ممالک اسلامی را حفظ کرده حدود و ثغور بلاد مسلمین را مستحکم نموده در مقابل دشمنان دین و فرق کفر یک قوه نظامی کفایتی حاضر داشته هیچوقت مجال ندهند کفار هجوم ببلاد اسلام آورده شئون ظاهری دین را محافظت و دول اسلام را از دست برد اجانب و قیوت و نگهداری کنند نگذارند قطعه از خاک اسلامیان را احدی تصرف و تملک نماید — یک فرقه دیگر طبقه روحانیین اند که اصحاب نفوذ معنوی و ساطه روحانیت از قبیل علماء و مجتهدین و واعظین که شئون واقعی اسلام در دست آنهاست این قوم را وظیفه آنستکه با قوت بیان و بنان احکام شریعت را محافظت نموده نوامیس الهیه را یاسبانی کرده حاکم را با حکام قرآن آشنا و اصول قواعد اسلامی را بمردم القاء کرده بواسطه بحث و تدقیق آثار دین را بمالعیان روشن نموده حقیقت دین حنیف و بطلان سایر مذاهب باطله را باده و براهین محکمه بر همه کس مدال و ثابت نموده مجال القساء شبهه بارباب ادیان سائره نداده طوری سلوک کنند که فوج فوج در دین خدا داخل شوند

قاضی — امروز با کدامیک از این دو فرقه گفتگو دارید تا احضار کرده سؤال و جواب بنمائیم ؟

اسلام — با عموم طبقه اول مرا سخن است یعنی بعد از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام تا کنون هیچیک از خلفاء و امراء و سلاطین بجهت تکلیف خود عمل نکرده اند بلی گاهی شده که یکتن از پادشاهان تا درجه در تقویت اساس شریعت که رکن اعظمش عدالت است سعی و کوشش نموده اند لکن هیچوقت کسی از آنها نبود که بتمام وظایف خود رفتار نماید و مسلمانانرا از زیر زنجیر رقبت و عبودیت مستخلص سازد و مطابق آئیند یالنمل با و ازین شریعت عمل کند عمر عبدالعزیز تا اندازه مراعات عدالت کرد سلاطین صفویه تاحدی ترویج شریعت نمودند بلی کسیکه در میانه سلاطین اسلام منت عظیمی بر مسلمانان نهاد پادشاه یک اعتقاد مظفر الدین شاه عادل بود که خداوندش غریق رحمت فرماید —

اما طبقه دوم یعنی روحانیین در میانه آنها بسیاری از بزرگان بودند که در راه حفظ شریعت منتهی خدمت را بجا آوردند و در ترویج دین ذره فروگذار نکردند لکن بعضی دیگر که بملاء سوء موسوم هستند مرا بی اندازه اذیت کرده و صدمه زدند و مرا بدنام ساختند هجالتا امروز با دسته اول صحبت میکنیم

قاضی حکم فرمود یک نفر مامور رفته آنها را حاضر کند —

(بقیه مقصود مقدس یا بانک ملی)

جزئیات مذهب حقه اسلام را بهزاران سال اگر بمرض امتحان در آوری سر موئی از جاده حقیقت و نقل خارج نیست ولی متاسفانه میتوانم بگویم هیچ کدام از اوامر و نواهی شرع شریف در میان مردم کما یبھی و یلیق معمول به نبود قوت رشوه و زور زر مثل توب ژاپن که قلعه محکمه پرت آرتور را مسخر میکرد وسیله پیش رفت مقاصد خائنانه و تضییع حقوق بندگان خدا بود حکام ولایات جز جرم و جنایت و مصدریت القتل کشتن و الضرب زدن — و انتظام دستگاه فرعونیت و وظیفه در خور خویش تصور نمیکردند و زرای کاردان لایق محبوس الفلر و در زاویه خمولی مغزوی و در حوزه بشر نام کرامیشان شد و ندر بود و غالباً ضد استقلال دولت و عدو شخص سلطنت محسوب و منهم بودند رشته نیک بختی این ملت قویم و دولت قدیم در کم کفایت جمعی مردمان بیعز و اشخاص بی فکر انجام مهام امور یک مملکتی که محسود سلاطین روی زمین بوده و صد مثل جمشید و کبخر و دارا . شاپور ذوالا کتابی . اردشیر بابکن . خسرو پرویز . نادر شاه افشار بوجود آورده بعهده جماعتی متاف مصرفی عاری از خرد و ببری از دانش و کول بود و ثروت ملت را که خزانه حقیقی دولت و بیت المال و مایه اطمینان واقعی و پشت زکرمی ملت بود حزب وزرای ناآزوده بانهایت سرعت زدند و بردند و خوردند تا دولت را مقروض اعصاب ممالکت را سست قوای ملت را ضعیف اومیت را خفیف اسلام را منکوب اعتبارات را منسوخ کردند و ان شرایط منجوسه خانه را تداوز را که خانه اشرا خداوند خراب نماید برای حصول مقصود و وصول مطلوب بکار برده و شد آنچه شد ارباب سیاست و تجربه آموختگان با فرست نیکو میدانند که باین نقالات حیر و باین تدابیر محدود السیر قادر بر ادای این قرض نه خواهیم شد و رهائی از چنگ این شرایط زشت قصه مور و اسکن است و از فرط اهمال عمومی و جلب اهتماماتمان بقروع مقاصد و رسوخ میکروب مرض مهلك نفق در قلوب عامه که سوهان روح ارتقاء است تقریباً دو قرن و نیم دیگر باید مرهون و زبون و مطیع و عامل و کارگذار آنان باشیم و روی خلاصی از رقبت را نبینیم اکنون قفل خموشی بر لب زده عنان قلمها بسوی مقصود کشیده و از ماضی در میکذاریم امروز قوای طبیعی ما که دیک بخار مقاصد مقدسه ما ست با این قرض میشوم دچار ضف و انکسار گردیده و چرخ متحرک کار

افتده و اعتبار آن سرد شده محتاج بنقویت و امداد و اتفاق نوعیه و هیئت اجتماعیه است اما از آنجائیکه بقول بزرگان کارها برواق طبیعت بهر ور اصلاح میشود و کب اقبال و بخت سمید مان تصادفی بایک هیئت صادفانه نموده و باید در اصلاح امورات و معالجه امراض مزمنه خودمان متمسک باین حبل المتین و عروة الوثقی بشویم و رجای و اتق بدین مکن فیض و این دار الشفای اسلامی دانته بدین چه حقوق ملیه و وطنیه ما در سایه لولای عدالت ابن بیت المقدس شورای ملی پایمال و ضایع نخواهد شد و اگر چه در پیش رفت مقاصد مان سدهای آهنین در جلو است لیکن دست حق همیشه فتح و غلب خواهد بود (و الله متمن نوره و لو كره المشركون) امروز قافله تمدن مثل ماشین های دودی مالك شمدنه سریع السیر است و طی مراحل بیده میکند و هیچ عایق و مانعی در جلو سیل اتناق يك مملکتی که نتجاوز از سی کرور نفوس را داراست سد سدید نتواند شد و تاب مقاومت نتواند آورد

(سامری کیست که دست از ید و بیضا ببرد)

امروزه افراد مردم بی بحقوق مشروعه خود برده اند امروز عناد و تفرقه مبدل به تفق و اجتماع شد امروز منابع ظلم و ستم خشک گردید امروز دیک جور از جوش افتاد امروز رونق بازار جهالت شکست امروز اساس خود سری منهدم گشت امروز (هر نفسی که فرو میرود هوای تربیت است و چون بر میاید جوهر سد نیت) امروز وقت است که اعصاب مملکت را بوسیله ادای این قرض میخوشم از هرگونه حوادث وضع محروس بدارید و این خیال صورت نیندد مگر به تاسیس و تشکیل بانک ملی باسلوب مرغور و شالوده مستحکم بطوری که اندیشه خواهد بنیان و علمای این فن را باخلال عناصر آن مجال وصول نیاشد و ارکان آن راستی غلبه کنند و مثل سایر شرکتها فصاحت بار نیارود امروز وقت است که مسکن و وطن مالوف و خانه خود را که مدفن نیاکان شماست از رهن و دست برد اجانب بیرون آورید چرا چشم برهم نهاده و به حسوسات نمی نگرید خاکم بدن مگر غیرت ملی از شما ساسب شده و خون عصبیت در شروقتان منجمد گشته مدتی اوقات عزیز صرف کردید مشکلات را حل نمودید دولت تانند از همراهی گرداین خبر باهمی بلاد عالم منتشر شد چراید عالم آتیه مارا بدین مقصود مقدس فال نیکو زدند چه شد که یکمرتبه ذکر مفتاح این باب نجات اذهان و افوا را وداع گفت و افکار صحیحه سلیمه مطلق کردید اقدام و وظایف و اهم فرایض و اصلاح امور ترهیب افراد ملت است بهمراهی

در تاسیس این مقصود مقدس یعنی اگر بخوایم ثروت مان بمملکت یکسان برابکن لرود از حملات پلنگی همسایگان جنوب و شمال محو وظباشیم اداره عسکریه قوای بحریه امور داخله مان منظم شود دارای مصنوعات یدی و اختراعات علمی و اکتشافات عملی گردیم باید کوشش و سعی در انجام این بانک ملی نمائیم تمهید و در نک تا یکی اکنون مواقع حرکت و زمان همت است کدام يك از شماها بقدر القوه قادر باشترك این بانک مقدس ملی نیستید تقدیه علائق ملیکیه خدم حشم اشیاء نفیسه من حیث المجموع بشما ارزانی و خداوند انشاء الله دو چندان بدهد اما مملکت که در رهن اجانب ماند و انکتر دست دیو گردید و از حوزه اسلامی خارج شد و اسفا علیکم (فدائی وطن محمد حسین ابن حاجی عبد الوهاب طهرانی) ۲۳ جمادی الثانیه ۱۳۲۵

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

(سه شنبه ۳ شهر رجب المرجب)

تذکراتی از حضرت حجة الاسلام و المسلمین آقای آقا حاجی میرزا حسین مد ظله العالی از کنکور بجناب آقای آقا سید جمال الدین افجه شده بود قرائت شد که مشتمل بود بر اینکه جناب آقا محمد مهدی کرمانشاهی در ابقای مجلس شو رای ملی خیلی بذل جهد نموده اند از این جهت در آنجا جمعی با ایشان معاندت ورزیده در صدد توهین میباشند بوکلای محترم اطلاع داده که حق اورا منظور دارند

در خصوص کرمانشاهان مذاکره شد گفته شد که با حاجی سیف الدوله مدعی هستند در عدلیه باید رسیدگی شود در بی نظمی مجلس صحبت داشتند قرار شد که بعدها مطلب را لایحه کرده پیش از وقت پانزده نفر متفقا آنرا قابل مذاکره دانسته بمجلس بیاید و در مطالب هوری شش نفر معین شوند که رسیدگی نمایند اگر قابلیت بمجلس بیاید والا بهر اداره که راجع است رجوع شود لایحه از کمپانی تجار در خصوص تفاوت خالصجات قرائت کردند که اضافه بر آنچه سایرین قبول کردند پنج ساله اینها قبول می نمایند بعد از مذاکرات قرار شد که صورتها در کمیون مالیه با اطلاع وزیر مالیه ملاحظه کرده بعد از ملاحظات اطراف کار بهر کدام صلاح دانستند بدهند

تذکراتی از شیروان فوجان در باب مقتولین و اسرا قرائت شد که این همه نظام و شکایت آخر چه اقدامی شده است ضمنا از سالار مضخم و آصف الدوله مذاکره شده و گفته شد که بنا بود پانزده روزه عمل آصف الدوله

بگذرد حال
هم همین ط
هد
ختم شود
عریض
قرائت شد
بخانه آقا
محبوس دان
انچه بی عص
عریض را
داشته سادات
مردم را غار
هم در طالع
گفته شد که
مطالب اظهار
مذاکرات ز
داخله هم
هم گفته شد
جلو
حاصل شد
گفته شد که
مشغول قتل
گفته شد که
کند بعضی اظ
از وکلای
نمایندگان
امر مکشوف
وزیر
کمیونی از
تشکیل شود
عثمانی مشبه
گفته شد که
واذن شخص
مسئله بدون
شد که از
همیونی عر
هیئت
حضور همیولی

۲۲
امیر البحر

بگذرد حال سه ماهست و ابدا اسمی نیست و مسئله سالار هم همین طور مانده بالاخره بعد از مذاکرات زیاد قرار شد که یک روز در مجلس آمده بعد از رسیدگی ختم شود

عریضه از انجمن ولایتی تنگان و تمام اهالی آنجا قرائت شد تظلم و شکایت از جمشیدخان ساعد الدوله که بخانه آقا شیخ محمد ریخته اهل انجمن را گرفته محبوس داشته چند تن بگلوله مجروح و مشرف بموت آنچه بی عصمیتها و خراینها که نموده ابواب آمد و عهد و عرایض را مسدود و مردم را بشکنجه و جرم و چوب و داشته سادات و ملارا گرفته مطلوب و محبوس کرده اموال مردم را غارت آنچه بیداد میتوانست بکنند کرده و متمدن الدوله هم در طالقان میباید باو هم راه نمیدهد بعد از قرائت گفته شد که باید رسیدگی کرد انطرف هم برضد این مطالب اظهار میدارد چند تذکراتی از شیراز قرائت شد مذاکرات زیاد در باب اغتشاشات انجام شد معاون وزارت داخله هم حضور داشتند از طوالت و قروبن و سایر ولایات هم گفته شد که اغتشاشات زیاد است باید از همه جا جلو گیری کرد بعد از صحبتهای زیاد نتیجه حاصل نشد و تکلیفی معین نگردید از سالار الدوله گفته شد که معلوم است برای مهمانی آوردند و نظر در بروجرد مشغول قتل و غارت است جوابی داده نشد در خصوص شیراز گفته شد که چون حاکم پسران قواله کثرا مفسد میدانند بیرون کند بعضی اظهار داشتند که خوب است وکلای شیراز بایستی از وکلای مجلس در تلکرافخانه از آقایان و تجار و اشراف و نمایندگان حکومت را حضورا بخواند گفتگو نمایند تا حقیقت امر مکشوف شده اقدام شود مسئله لاینحل ماند ۱۱۱ وزیر امور خارجه اظهار داشتند که قرار شد کمیونی از نمایندگان دولین و دول همجوار در سرحد تشکیل شود و رسیدگی بعمل آید چون امرا بر سلطان عثمانی مشتبه کرده بودند که ایرائنها از سرحد تجاوز کردند گفته شد که عساکر عثمانی از روی قانون بدون اجازه و اذن شخصی سلطان قدسی تخطی نتوانند بنمایند و این مسئله بدون اطلاع سلطان نبوده است لاجرا مفصل قرائت شد که از طرفی مجلس مقدس بحضور اعلیحضرت همیونی عرض داشتند

هیئتی هم مرکب از شش نفر منتخب شده که شرفیاب حضور همیونی کردند و بعضی عریضه سادگان را معروض دارند (مجلس ختم شد)

(وقایع ننگار ما از انزلی مینگار)

۲۳ جمادی الثانیه هنگام ظهر دو فروند جهاز امیر البحر روسی وارد بندر انزلی شدند بدو و ۲۱

توب شلیک نمودند و علی الرسم از توپخانه جواب و شلیک بهمان میزان داده شده سپس امیر البحر با صاحبمنصبان کشتی ها بکنار آمده عمارت دولتی را تماشا و بیالای شمس المماره هم رفته و از انجا باغ و حیاط عمارت را تماشا و گردش کرده کویا خیال داشتند تا توپخانه هم بروند تماشا به نمایند از انجائیکه توپخانه محل تماشا دیدنی نبود ملت حضرات را از دیدن باز داشته معذرت خواستند و از رفتن بتوپخانه که در واقع ناموس دولت و ملت است ممانعت کردند

فولسول روس از رشت دیروز بانزلی آمده دیشب و امروز بدریا بسر جهازات امیر البحر خودشان رفت و آمد داشتند امروز هنگام ظهر جهازات مزبور تویهای خدا حافظی خالی کرده و بیرق عزیمت کشیده بسمت باد کوبه رفته اند این دو فروند کشتی از طرف چکوشلار استرآباد بانزلی آمده بودند مجدداً از توپخانه جواب توب خدا حافظی امیر البحر را دادند . . .

برنج خوراکی بواسطه کم بود و عدم باران و گرانی قیمت از طرف انجمن عرضه شده بود بخارجه حمل نشود این اوقات باران رحمت باریدن آغاز نموده زراعت مشروب و حاصل تازه هم درآمده است و کم کم بیازار فروش میاورند این است که انجمن در ثانی اعلانی شایع نموده که تجار در خریدن برنج و حمل بخارجه آزادند . . . (ابوزر)

(تلکرافات خارجه)

از لندن یکی از طرفهای فرانسه که از شهر انگلر به یوانیه میرفته در موقع عبور از یل از خط خارج شده و از بالای یل بروود خانه لوآر افتاده چهل نفر از مسافرن فعلا مفقود الاثرند جسد میزده نفر آنها تا کنون یافت شده

از قرار خبر ثانوی طرن مزبور که چهار سانه عظیمی شده حامل اجماع کثیری از اشخاصی بوده که در موقع تعطیل برای نفرج میروند طرن مزبور قریب یل از خط خارج شده و با شدت بدیواره یل خورده و خراب کرده چندین از واگونها آن یروودخانه افتاده مسافرن غرق شده اند پس از افتادن چند واگون دنباله طرنها منفصل شده و بقیه از مرگ جیبند

اعلیحضرتین امپراطورین آلمان و روس در بالای یکی از جهازات آلمان مورد پذیرائی کاملی بوده پرنس بولف باعطای نشان تمثال اعلیحضرت امپراطور روس مکال بالماس برلیان مفتخر گردیده احتیاطات لازمه بجهت حفظ جان امپراطور روس از همه قبیل بعمل آمده چنانچه ترپیلهای متعدد جهاز سواری اعلیحضرتی را احاطه نموده اند

حسن الحسینی الکاشانی